



Re-Examination of the Evidence for the Islamic Ruling on the Intentional Retention of Ritual Impurity (Janabah) until Dawn in the Month of Ramadan

Alborz Muhaqqiq Garfami^{1✉} | Sayyed Ali Sajadizadeh² | Ahmad Morvarid³

1. Corresponding Author, Master in Quran and Hadith Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: mohaghegh.gr@gmail.com

2. Assistant professor, Department of Fiqh, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: sajjadizade@razavi.ac.ir

3. Assistant professor, Department of Fiqh, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: dr.morvarid@razavi.ac.ir

Article Info

Article type:

Original research

Article history:

Received 1May 2024

Received in revised form 4 September 2024

Accepted 25 December 2024

Available online 31 December 2024

Keywords:

hadith, fasting, a state of ritual impurity, deliberate intention, invalidating the fast, conflict of evidences, reconciling evidence

ABSTRACT

One of the branches of Islamic jurisprudential issues for which there are conflicting narrations is the matter of 'intentionally remaining in a state of ritual impurity (Arabic: جنابه janabah) until the dawn call to prayer (Arabic: اذان adhan) during the holy month of Ramadan. Faced with these (conflicting) narrations, Islamic jurists (pl. : fuqahā', Arabic: فقه; pl. : فقهاء) have adopted various approaches. This research, utilizing a descriptive-analytical method and drawing upon documentary sources, seeks to review the Quranic, narrational, and jurisprudential arguments in the views of Islamic jurists and presents a novel inference from the totality of verbal evidences. To achieve this goal, after categorizing the narrations, the views of the Islamic jurists are critically studied by presenting five approaches. The selected perspective is based on the conceptual understanding of "deliberation" ("ta'ammud" include cases where a person knows that if they sleep, they will not wake up until the Adhan, and yet they still sleep) in the narrations and finding a narration that serves as a unifying proof to resolve the contradiction between the reports. Based on this interpretation (i.e., the conceptual analysis of intention" and finding a reconciling narration), there is no need to interpret some narrations as taqiyyah (Arabic: تقيه dissimulation due to fear of persecution), disregard some narrations, or prefer some over others. All narrations play a role in the process of jurisprudential inference. The evaluation of the paper is that the lack of deliberate intention in achieving ritual purity(

Arabic: طهارة tahara) until the dawn call to prayer, which arises from situations such as falling asleep due to fatigue or unaware the passage of time, will not invalidate the fast. In cases where a person intentionally delays achieving ritual purity until the morning Adhan, in addition to the obligation of making up the fast (Arabic: قضا qada'), they will also be obligated to abstain from eating or drinking for the rest of that day (Arabic: إمساك imsak) and pay expiation (Arabic: كفارة Kaffarah).

Cite this article: Muhaqqiq Garfami, A., Sajadizadeh, S.A., Morvarid, A. (2024). Re-Examination of the Evidence for the Islamic Ruling on the Intentional Retention of Ritual Impurity (Janabah) until Dawn in the Month of Ramadan. *Ibadah Fiqh Doctrines*, 4 (6), 111-140.

<https://doi.org/10.30513/jwd.2024.6000.1190>



بازپژوهی ادله حکم بقای عمدی بر جنابت تا اذان صبح در ماه رمضان

البرز محقق گرفمی^۱ | سید علی سجادی زاده^۲ | احمد مروارید^۳

۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: mohaghegh.gr@gmail.com
۲. سید علی سجادی زاده، استادیار، گروه فقه، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: sajjadizade@razavi.ac.ir
۳. احمد مروارید، استادیار، گروه فقه، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: dr.morvarid@razavi.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
---------------	-------

یکی از فروع فقهی که روایات متعارضی درباره آن وجود دارد، مسئله «تعمد بقاء بر جنابت تا اذان صبح ماه مبارک رمضان» است. فقیهان در مواجهه با این روایات، رویکردهای گوناگونی برگزیده‌اند. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با بهره از منابع اسنادی در پی بازخوانی ادله قرآنی، روایی و فقاهتی در دیدگاه فقیهان و ارائه استنباطی نوین از مجموع ادله لفظی است. برای دست یافتن به این هدف پس از دسته‌بندی روایات، دیدگاه فقیهان با بیان پنج رویکرد به نقد آورده شده است. دیدگاه برگزیده براساس مفهوم‌شناسی «تعمد» در روایات و یافتن روایتی در قامت شاهد جمع برای رفع تعارض اخبار، سامان یافته است. براساس این برداشت، نیازی به حمل روایات بر تقیه، اعراض از برخی روایات و ترجیح شماری بر شمار دیگر نیست و تمامی روایات در روند استنباط فقهی، نقش‌آفرین می‌باشد. ارزیابی نوشتار آن است که عدم تعمد در تحصیل طهارت تا اذان صبح که برآمده از مواردی مانند خوابیدن ناشی از خستگی یا غفلت از گذشت زمان است، مبطل روزه نخواهد بود. در مواردی که شخص عامدانه، طهارت را به تأخیر بیندازد، افزون بر وجوب قضا، مکلف به امساک در همان روز و پرداخت کفاره نیز می‌باشد.	نوع مقاله: علمی پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۵ تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۱۱ کلیدواژه‌ها: حدیث، روزه، بقاء بر جنابت، تعمد، مفطرت، تعارض ادله، شاهد جمع
---	---

استناد: محقق گرفمی، البرز؛ سجادی زاده، سید علی؛ مروارید، احمد. (۱۴۰۳). بازپژوهی ادله حکم بقای عمدی بر جنابت تا اذان صبح در ماه رمضان. آموزه‌های فقه عبّادی، ۴ (۶)، ۱۱۱-۱۴۰.
<https://doi.org/10.30513/jwd.2024.6000.1190>
 ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی. © نویسندگان.



مقدمه

قرآن و سنت، دوسرچشمه بنیادین برای دریافت آموزه‌های اسلامی هستند. بخش قابل توجهی از این معارف از طریق احادیث به دست پسنیان رسیده است. عواملی همچون شرایط صدور حدیث، راه‌یابی آسیب‌های گوناگون سندی و متنی به احادیث، و برداشت‌های مختلف از سیاق آنها، موجب بروز تعارض در احادیث با موضوع مشترک شده است. به ندرت می‌توان بابی از ابواب دانش سترگ فقه یافت که در آن از اخبار متعارض و راه برون رفت از این تعارض سخنی به میان نیامده باشد.

یکی از موضوعات فقهی که چند دسته حدیث در آن قابل افزاست، مسئله «باقی ماندن عمدی بر جنابت در شب‌های ماه مبارک رمضان تا هنگام اذان صبح» است. اختلاف ظاهری میان این اخبار سبب شده که این مسئله از مسائل مشکل فقه ارزیابی شود (ر.ک: مقدس اردبیلی، ۱۴۴۱، ج ۵، ص ۳۵ و ۴۵) و فقیهان در مواجهه با این روایات، دیدگاه‌های گوناگونی اتخاذ کنند. این اختلاف تا بدان جاست که در دیدگاهی، حکم مسئله از قطعیات فقه دانسته شده است (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۲۳۷) و برخی دیگر در صدور حکم آن تردید نموده‌اند (محقق سبزواری، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۲۸).

بیشتر فقیهان متقدم بر این باورند که بقاء عمدی بر جنابت، موجب بطلان روزه شده و قضا و کفاره را واجب می‌سازد (ر.ک: ابن جنید اسکافی، ۱۴۱۶، ص ۱۰۹؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۱۹۲؛ ابوالصلاح حلبی، بی‌تا، ص ۱۸۲؛ سلار دیلمی، ۱۴۰۴، ص ۹۸). مشهور متأخران نیز بر این باورند (ر.ک: یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱۰، ص ۱۱۰؛ آخوند خراسانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۴۳۵؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۶۴؛ صدر، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۳۷۵؛ فضل‌الله، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۴۸۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ص ۲۷۱). برخی نیز بطلان روزه و وجوب قضا و کفاره را مطابق احتیاط واجب دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۶).

گزارشی از متن برخی نگاشته‌های فقیهان باورمند به قول مشهور به شرح ذیل است:

شیخ مفید چنین می‌نگارد: «کسی که در ماه رمضان جنب شده و عمداً با این

حال تا صبح بدون غسل بخوابد، کفاره و قضا بر او واجب است و در آن روز نیز باید از مفطرات امساک کند» (مفید، ۱۴۱۰، ص ۳۴۴).

نگارنده کتاب **شرائع الاسلام**، حکم به بطلان روزه در صورت بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح را «اشهر» می‌شمرد (محقق حلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۸۹). هم‌در کتاب **المعتبر فی شرح المختصر**، با تقسیم روایات به دودسته دال بر مفطریّت و عدم مفطریّت، دسته نخست را اصحّ می‌داند (محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۶۵۵). سید ابوالحسن اصفهانی و امام خمینی نیز در این باره چنین می‌نویسند: «روزه با بقاء عمدی بر جنابت باطل می‌گردد» (اصفهانی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۱۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۹۸).

در مقابل، برخی فقیهان بر این باورند که دلیلی شایسته برای نظریه مشهور وجود ندارد (محقق سبزواری، بی تا، ج ۲، ص ۴۹۸؛ مقدس اردبیلی، ۱۴۴۱، ج ۵، ص ۴۵)؛ با این حال، احتیاط را در حکم به مفطریّت دانسته‌اند (مازندرانی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۱۶۸؛ جواهری، ۱۴۳۸، ج ۱، ص ۴۳۵). برخی فقیهان نیز تعدد بقا بر جنابت را از مفطرات روزه نمی‌دانند (ابن بابویه، ۱۴۱۵، ص ۱۸۹؛ صادقی تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۰). گروهی دیگر، قائل به تساقط تمامی روایات بوده و بر این باورند که در این حالت باید به عام قرآنی رجوع نمود (سبیتی، ۱۴۳۶، ص ۳۸). دیدگاهی نیز وجود دارد که به سبب جهت صدور خاص روایات جواز، اساساً تعارضی میان اخبار دال بر مفطریّت و اخبار دال بر عدم مفطریّت رخ نمی‌دهد (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۸۵).

در میان اهل سنت، دیدگاه مشهور، صحت روزه با تعدد در بقاء بر جنابت است. بنابر گزارش‌های تاریخی از طریق اهل سنت، بسیاری از صحابه و تابعان مانند علی بن ابی طالب علیه السلام، ابن مسعود، ابوذر، زید بن ثابت، ابودرداء، ابن عباس، عبدالله بن زبیر و عایشه، و نیز فقیهان عراق و حجاز بر صحت چنین روزه‌ای باور داشته‌اند (نووی، بی تا، ج ۶، ص ۳۰۷؛ ابن عبد البر، ۲۰۰۰، ج ۳، ص ۲۹۰).

افزون بر ادله روایی، اجماع نیز به عنوان مؤیدی برای اثبات قول مشهور مطرح شده است (ر.ک: علم الهدی، ۱۴۱۵، ص ۱۸۶؛ ابن حمزه، ۱۴۰۸، ص ۱۴۲؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۳۸؛ نراقی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۲۴۶؛ نجفی، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۲۳۶؛ انصاری، ۱۴۱۳، ص ۱۵۱؛ اشتهااردی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۰۷).

بازپژوهی ادله حکم بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح در... / البرز محقق گرمفی و..... ۱۱۵

درمقابل، برخی معتقدند که با وجود اطلاق قرآنی، مواردی چون اجماع و شهرت هیچ اعتباری ندارند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۶۵). به نظر می‌رسد اجماع را نمی‌توان به عنوان دلیل مستقل برای اثبات این حکم به کاربرد؛ چراکه با وجود روایات مختلف دال بر حکم مسئله، این اجماع مدرکی می‌نماید. بسیار محتمل است که مراد باورمندان به اجماع، همان اتفاق نظر فقیهان بر حکم این مسئله باشد. بنابراین، آنچه به عنوان منبع دستیابی به حکم این مسئله به روش اجتهادی باقی می‌ماند، آیات و روایات پیرامون موضوع خواهد بود که در این جستار مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

درنگاشته‌های فقهی مربوط به «صوم»، بخشی به مفطرات روزه اختصاص دارد. فقیهانی که آثار قلمی خود را به شیوه استدلالی سامان داده‌اند، از ادله موضوع «تعمد بقاء بر جنابت تا اذان صبح ماه مبارک رمضان» سخن گفته‌اند. اما به دلیل فراوانی روایات این موضوع و همچنین تباین مفهومی ظاهر شماری از آنها، کمتر نوشته‌ای را می‌توان یافت که برای جمع میان روایات، ناگزیر از طرح یا حمل برخی احادیث بر تقیه نشده باشد. به نظر می‌رسد تا زمانی که بتوان وجه جمع عرفی مقبولی برای روایات یافت، نوبت به بهره‌گیری از این راهکارها نخواهد رسید. این پژوهش، همت خود را بر یافتن چنین وجهی قرار داده است.

بر اساس جستجوی نگارنده در سپهر مقالات مرسوم، تنها دو مورد مستقل را می‌توان به این موضوع مرتبط دانست: یوسف علی سبیتی در مقاله «مفطرية تعمد البقاء على الجنابة حتى الفجر، قراءة نقدية» (۱۴۳۶ق) بر این باور است که باقی ماندن بر جنابت به صورت عامدانه، در شمار مفطرات روزه قرار ندارد. بن مایه این پژوهش بر طرح روایات مخالف با مدلول آیه ۱۸۷ سوره بقره با برداشتی خاص از مفهوم «مخالفت با قرآن» - به معنای مخالفت هرگزاره مقید با اطلاق قرآنی - قرار دارد. میرزا علی سلیمانی بر وجردی نیز در مقاله «حکم باقی ماندن بر جنابت برای روزه‌داران تا اذان صبح از دیدگاه آیت الله العظمی دکتر شیخ محمد صادق تهرانی» (۱۳۹۳) در پی اثبات عدم مفطر بودن بقاء بر جنابت با بهره از نظرات آیت الله محمد

صادقی تهرانی است، ولی ادله مخالفان را بررسی نکرده است. در بخشی از این مقاله، قول به عدم مفطرت به آیت الله سید محمدصادق روحانی نسبت داده شده است (سلیمانی بروجردی، ۱۳۹۳، ص ۳۶۶)، حال آنکه آیت الله روحانی در مقام نقد این قول، ابتدا ادله باورمندان به آن را نقل کرده و سپس به آن‌ها اشکال نموده است (ر.ک: روحانی، ۱۴۲۹، ج ۱۲، ص ۱۰۳-۱۰۶). نویسنده محترم در بخش دیگری از مقاله، وجود سه روایت صحیح که با عام قرآنی برآمده از آیه ۱۸۷ سوره بقره همسو هستند را برای اثبات حکم کافی می‌داند (سلیمانی بروجردی، ۱۳۹۳، ص ۳۶۸)، حال آنکه نمی‌توان به صرف وجود روایات صحیح، بدون فحص کامل از مخصصات و مقیدات، حکمی کلی را ثابت نمود.

با وجود این تلاش‌های درخور تحسین، نمی‌توان پژوهشی را یافت که به بررسی تحلیلی تمامی ادله این موضوع به نحوی مستقل پرداخته باشد. شالوده جستار حاضر بر یافتن استظهار مناسب از احادیث استوار است. بر این اساس، پس از دسته‌بندی روایات پیرامون مسئله در سه رده، رویارویی فقیهان با این روایات به دقت و موشکافی شده و در گام بعدی، به بررسی و نقد آن‌ها پرداخته شده است. در بخشی نیز به شکلی نسبتاً گسترده پیرامون مواجهه فقیهان با دلالت آیه ۱۸۷ سوره بقره سخن رفته است. وجه نوآوری دیگر این جستار، ارائه تحلیلی نوین از روایات است؛ به گونه‌ای که با ارائه روشی برای جمع میان روایات، بدون طرح برخی از آن‌ها یا حمل بر تقیه، مجموع روایات قابل استناد در مسیر استنباط خواهند بود.

۱. احادیث بیانگر حکم موضوع

در مورد حکم باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح، سه گروه از احادیث وجود دارند که می‌توان آن‌ها را به شکل زیر دسته‌بندی کرد:

۱-۱. احادیث دال بر صحت روزه

ظاهر برخی از احادیث بر صحت روزه فردی که تا اذان صبح غسل جنابت را انجام نداده است، دلالت دارد. به چند نمونه توجه کنید:

بازپژوهی ادله حکم بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح در... / البرز محقق گرمی و..... ۱۱۷

- در حدیثی صحیح آمده است: از امام صادق علیه السلام درباره شخصی که در ابتدای شب ماه رمضان جنب شده و غسل را تا طلوع فجر به تأخیر انداخته است، سؤال شد. فرمودند: رسول اکرم صلی الله علیه و آله در ابتدای شب با همسران خود نزدیکی می کردند و غسل را تا طلوع فجر به تأخیر می انداختند. و من مانند کسانی که قائلند باید قضای آن روز را به جا آورد، نیستم (ابن بابویه، ۱۴۱۵، ص ۱۸۹).

- در حدیث صحیح دیگر، عیص بن قاسم چنین نقل می کند: «از امام صادق علیه السلام درباره شخصی که در شب ماه رمضان می خوابد و پس از احتلام بیدار می شود و سپس پیش از غسل می خوابد، سؤال شد. حضرت فرمودند: اشکالی ندارد»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۲۰).

- در حدیث صحیحی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: رسول اکرم صلی الله علیه و آله در شب ماه رمضان نماز را می خواندند، سپس جنب می شدند و غسل را عمداً تا طلوع فجر به تأخیر می انداختند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۳).

- در روایت دیگری آمده است: از امام رضا علیه السلام پرسیدم: شخصی که جنابت بروی عارض شده و عمداً تا صبح خوابیده است، چیزی بر او واجب است؟ حضرت فرمودند: برای او هیچ ضرری ندارد و روزه اش را افطار نکند و ابایی نداشته باشد، چرا که پدرم فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که به واسطه نزدیکی - و نه احتلام - جنب بودند، شب را به صبح آوردند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۳).

بر اساس این روایات، دیدگاهی شکل گرفته که باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح در روزه ماه مبارک رمضان را از مفطرات نمی داند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۱۵، ص ۱۸۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۳۸۸-۳۸۹؛ سبیتی، ۱۴۳۶، ص ۳۸۸؛ سلیمانی بروجردی، ۱۳۹۳، ص ۳۶۷-۳۷۲).

۱-۲. احادیث دال بر کفایت قضا

در مجموعه ای دیگر از روایات، قضا به عنوان تکلیف کسی که غسل جنابت را تا اذان صبح انجام نداده، کافی دانسته شده است. نمونه هایی از این احادیث عبارت اند از:

۱. «عَنِ الرَّجُلِ يَتَأَمُّ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَحْتَلِمُ ثُمَّ يَسْتَيْقِظُ ثُمَّ يَتَأَمُّ قَبْلَ أَنْ يَغْتَسِلَ قَالَ لَا بَأْسَ».

- در حدیثی صحیح چنین آمده است: «امام صادق علیه السلام درباره شخصی که در آغاز شب ماه رمضان محتلم شده یا با همسر خود آمیزش کرده است و سپس عمداً تا صبح خوابیده است، فرمودند: روزه آن روز را تمام کند و از پروردگار خویش طلب آمرزش کند» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۸۵).

- در حدیث صحیحی از امام کاظم یا امام رضا علیه السلام، بنظری از امام درباره شخصی که با زوجه‌اش آمیزش کند یا محتلم شود و سپس عمداً تا صبح بخوابد، سؤال کرد. امام فرمودند: روزه آن روز را تمام کند و قضای آن روز بر عهده اوست (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۱۲).

- در حدیثی دیگر، سماعة بن مهران از امام رضا علیه السلام درباره شخصی که در دل شب جنب شده و با علم به این مطلب خوابیده و پس از فجر از خواب برخاسته است، سؤال کرده و امام در پاسخ فرموده‌اند: در این صورت، روزه آن روز را قضا کند؛ چراکه رمضان با ماه‌های دیگر متفاوت است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۱).

روایاتی مشابه نیز در این باره وجود دارند (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۸۷؛ ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۲۰؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۲).

بر اساس آنچه نگارنده کتاب *مختلف الشیعه* نقل کرده، ابن ابی عقیل عمانی بر کفایت قضا به واسطه بقاء عمدی بر جنابت فتوا داده است (ر.ک: علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۴۰۷). فقیهان دیگری نیز بر این باورند (برای نمونه، ر.ک: فیض کاشانی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۴۱۱؛ همدانی، ۱۳۷۶، ج ۱۴، ص ۴۰۴). از سخنان نگارنده مدارک *الاحکام* نیز چنین برمی آید که وی بدین قول متمایل است (ر.ک: موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۸۹).

۱-۳. احادیث دال بر وجوب کفاره

شمار قابل توجهی از احادیث، بر وجوب کفاره در صورت باقی ماندن عمدی بر جنابت تا اذان صبح دلالت دارند. شیخ طوسی این روایت را به اسناد خویش به شکل ذیل نقل کرده است:

- در حدیث صحیح آمده است: «هنگامی که مردی در شب ماه رمضان جنب شود و تا صبح غسل نکند، پس بر او علاوه بر قضای آن روز، دوماه روزه پیاپی لازم است» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۲).

بازپژوهی ادله حکم بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح در... / البرز محقق گرمفی و..... ۱۱۹

- در حدیث موثق از امام صادق (ع) چنین آمده است: «شخصی که در شب ماه رمضان جنب شود و عمداً غسل را تا صبح ترک کند، باید یک بنده آزاد کند یا دو ماه پیاپی روزه بگیرد یا شصت مسکین را اطعام کند» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۲).

- در خبر ضعیفی آمده است: از امام صادق (ع) درباره محتلم شدن روزه دار پرسیدم. امام فرمودند: اگر در طول روز محتلم شود، نباید پیش از غسل کردن بخوابد. و کسی که در شب ماه رمضان جنب شود و تا صبح بدون غسل بخوابد، بروی آزاد کردن یک بنده یا اطعام شصت مسکین و قضای آن روز واجب است و روزه آن روز را نیز باید به پایان برساند (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳۲۱).

روایات مشابه دیگری نیز در این باره وجود دارند (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۸۷).

مشهور فقیهان، با استناد به این روایات، بر وجوب قضا و كفارة روزه در حالت باقی ماندن عامدانه بر جنابت استدلال کرده اند (علامه حلی، ۱۴۲۹، ج ۹، ص ۱۲۵-۱۲۶؛ بحرانی، ۱۴۳۰، ج ۱۳، ص ۱۱۴-۱۱۶؛ محقق سبزواری، بی تا، ج ۲، ص ۴۹۷؛ نراقی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۲۴۴-۲۴۵؛ نجفی، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۲۳۹؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۵۴؛ طباطبایی حکیم، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۷۴-۲۷۵؛ آملی، ۱۳۸۴، ج ۸، ص ۵۶-۵۷؛ خویی، ۱۴۳۰، ج ۲۱، ص ۱۸۶؛ حکیم، ۱۴۲۵، ص ۷۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۶، ص ۷۲-۷۳؛ جواهری، ۱۴۳۸، ج ۱، ص ۴۲۲-۴۲۴).

چراکه حکم به وجوب كفارة، حاکی از بطلان صوم و وجوب قضای آن است (نمازی، ۱۳۸۲، ص ۷۲). برخی نیز این اخبار را در حد تواتر (طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۳۱۳) یا تواتر اجمالی دانسته اند (خویی، ۱۴۳۰، ج ۲۱، ص ۱۸۶).

۲. راهکارهای حل تعارض اخبار (آراء فقهی در مسئله)

همان گونه که در مقدمه گذشت، فقیهان در مواجهه با اخبار پیش گفته، روش های گوناگونی برگزیده اند که در ادامه به تبیین، بررسی و نقد آن ها پرداخته می شود.

۲-۱. صحت روزه و عدم نیاز به كفارة

شماری از فقیهان، با توجه به روایات دسته نخست، بر این باورند که باقی ماندن

عمدی بر جنابت، در شمار مفطرات روزه قرار ندارد. مرحوم شیخ صدوق در کتاب فقه فتوایی خود، درباره این مسئله، تنها روایت حماد بن عثمان را که دلالت بر عمل رسول اکرم ﷺ مبنی بر نزدیکی در آغاز شب ماه رمضان و عدم غسل تا طلوع فجر دارد، مستند عمل قرار داده و باقی ماندن بر جنابت را مفسد روزه نمی داند (ابن بابویه، ۱۴۱۵، ص ۱۸۸).

برخی دیگر نیز بر این باورند که روایات دال بر وجوب قضا و كفاره، صراحتی در بطلان روزه شخصی که عامدانه بر جنابت باقی مانده، ندارد (مقدس اردبیلی، ۱۴۴۱، ج ۵، ص ۳۵؛ جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۷۷). در سوی مقابل، روایات دال بر صحت روزه، با عباراتی چون: «روزه اش را به پایان رساند و چیزی براو نیست»، در عدم وجوب قضا صراحت دارند، در حالی که روایات مخالف، در این زمینه تنها ظهور دارند. بنابراین، طبق قواعد جمع عرفی، باید صراحت نص را بر ظهور مقدم داشت (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۷۹).

در این دیدگاه، روایات دال بر وجوب قضا و كفاره، بر استحباب حمل شده است (مقدس اردبیلی، ۱۴۴۱، ج ۵، ص ۴۴) و عباراتی مانند: «روزه اش را تمام کند و قضای آن را به جای آورد»، بر صحت روزه همان روز و استحباب قضا به نحو عقوبت حمل می شوند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۷۲-۱۷۳).

۲-۲-۱. مستند قرآنی دیدگاه

مستند قرآنی این دیدگاه، آیه ذیل است: ﴿أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ هُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾ (بقره: ۱۸۷).^۱

برخی با بهره از این آیه بر این باورند که باقی ماندن بر جنابت در حالت عمدی را

۱. برای شما مباشرت با زنان در شب های ماه رمضان حلال شد که آن ها لباس شما و شما لباس آن ها هستید. خداوند دانست که شما [با مباشرت با زنان] به خویش خیانت می کنید، پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. پس با آنان مباشرت کنید و آنچه را که خداوند برای شما مقرر کرده است، طلب کنید و تا زمان جدایی رشته سفید از سیاه [طلوع فجر] بخورید و بیاشامید.

بازیرویی ادله حکم بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح در... / البرز محقق گرفمی و..... ۱۲۱

نمی توان در شمار مفطرات روزه برشمرد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۶۲؛ سبیتی، ۱۴۳۶، ص ۳۸۷؛ سرخسی، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۱۰۱؛ شیرازی، ابراهیم، بی تا، ج ۱، ص ۳۳۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۶۳؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۸۹)؛ چراکه «لَيْلَةُ الصَّيَامِ» عبارت مطلق است که تمام پاره های شب را در برمی گیرد (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۸۹).^۱

به این بیان که آیه اقتضا دارد مباشرت با همسر در تمامی زمان های پیش از طلوع فجر جایز باشد، و اگر غسل باید پیش از طلوع فجر انجام گیرد، لازم می آید که مباشرت در آن زمان تحریم شود، که این امر با اطلاق زمانی آیه منافات دارد.

همچنین، کلمه «حَتَّى» در آیه نشانگر غایت جواز تا زمان اذان صبح است و با افزودن آن به «فَالآنَ بِأَشْرُوهُنَّ» می توان فهمید که مباشرت در تمامی شب جایز است (مقدس اردبیلی، ۱۴۴۱، ج ۵، ص ۳۵-۳۶). پس همان گونه که خوردن و آشامیدن تا غایت آن، یعنی اذان صبح، مجاز است، مباشرت نیز مجاز خواهد بود. به بیان دیگر، اگر بنا باشد که آیه تنها در مورد مباشرت با زنان تقیید خورده باشد و مباشرت، برخلاف اکل و شرب، تا غایت زمان حلیت این دو جایز نباشد، امری خلاف بلاغت عادی رخ نموده است. چراکه اگر استثنایی سبب تقیید یک مورد از چند مورد مجاور هم گردد، باید موارد دیگر نیز مقید باشند (صادقی تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱).

در این رویکرد، روایات دال بر مفطریت، مخالف قرآن شمرده شده و باید کنار گذاشته شوند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۳۸۷؛ صادقی تهرانی، ۱۳۷۸، ص ۱۸۰؛ سبیتی، ۱۴۳۶، ص ۳۸۷).

۲-۲-۲. اصل عملی موافق دیدگاه

افزون بر دلایل پیش گفته برای این دیدگاه، از نگاشته های برخی از بزرگان به دست می آید که با بهره گیری از اصل برائت می توان به عدم مفطریت بقاء بر جنابت متمایل شد (ر.ک: مقدس اردبیلی، ۱۴۴۱، ج ۵، ص ۳۵). به این بیان که در هنگام شک نسبت به مانعیت عملی برای عبادت، اصل برائت جاری می شود.

۱. لازم به ذکر است که علامه مغنیه در دو کتاب فقهی فقه الامام جعفر الصادق (علیه السلام) و الفقه علی المذاهب الخمسه، همان دیدگاه مشهور امامیه را برگزیده است (ر.ک: مغنیه، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۴؛ مغنیه، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۱۵۴).

بررسی و نقد

ادعای عدم صراحت روایات دال بر مفطرت، با وجود عباراتی مانند «روزه‌اش را تمام کند سپس قضایش را به جای آورد» و «امروز را روزه نگیرد» و نیز احادیثی که بر وجوب کفاره دلالت دارند، استوار نمی‌نماید. از سوی دیگر، می‌توان احادیث دسته نخست را بیانگر حکمی فراگیر دانست که توسط احادیث دیگر مقید شده‌اند.

آیه ۱۸۷ سوره بقره نیز در مقام بیان جواز مباشرت در شب، در مقابل ممانعت از آن در روزهای ماه مبارک رمضان است (همدانی، ۱۳۷۶، ج ۱۴، ص ۴۰۴؛ آملی، ۱۳۸۴، ج ۸، ص ۵۸؛ بنی‌فضل، ۱۳۸۰، ص ۷۵-۷۶). به بیان دیگر، آیه در مقام رفع خطر کلی است که با توجه به روایات شأن نزول نیز می‌توان این نکته را دریافت. بر این اساس، تا پیش از نزول آیه، مسلمانان پس از ادای نماز عشاء از خوردن، آشامیدن و مباشرت با زنان پرهیز می‌کردند و این آیه برای بیان اباحت این سه امر تا زمان اذان نازل شد (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۶۷؛ واحدی، ۱۴۱۱، ص ۵۳).

حتی اگر انحصار بیان آیه به رفع خطر کلی پذیرفته نشود و آیه در مقام بیان فراگیر بودن زمان مباشرت تا اذان صبح دانسته شود، روایات فراوانی که بر مفطرت دلالت دارند، سبب تقیید آیه خواهند شد (بحرانی، ۱۴۳۰، ج ۱۳، ص ۱۱۹؛ طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۳۱۴؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۵۵؛ سبحانی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۸۳؛ نمازی، ۱۳۸۲، ص ۷۳). به این بیان که آیه، بیانگر جواز مباشرتی است که فرد یقین داشته باشد پیش از طلوع فجر، زمان کافی برای غسل دارد (نراقی، ۱۴۲۹، ج ۱۰، ص ۲۴۶). بنابراین، روایات دال بر مفطرت، اطلاق زمانی آیه را مشروط به حصول طهارت تا طلوع فجر می‌نمایند.

این روایات را نمی‌توان مخالف مدلول قرآنی انگاشت، زیرا مخالفت با قرآن به عنوان یکی از سنجه‌های نقد حدیث، به معنای تباین کلی حدیث با مدلول قرآنی یا مخالفت با روح تعالیم قرآن است، در حالی که رابطه تقیید را نمی‌توان تباین دانست. همان گونه که تخصیص قرآن با سنت، امری پذیرفته شده در میان مسلمانان است.

همچنین، این دیدگاه مطرح است که آیه تنها در مقام بیان نسخ حکم قبلی

بازپژوهی ادله حکم بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح در... / البرز محقق گرفمی و..... ۱۲۳

درباره حرمت مباشرت با زنان در شب‌های ماه مبارک رمضان است (حکیم، ۱۴۲۵، ص ۷۸) و نمی‌توان از آن برای جواز تعدد بقاء بر جنابت بهره برد. اما این برداشت، به دلیل وجود قید «حتی» در آیه که بیانگر غایت زمانی است، نادرست به نظر می‌رسد. علاوه بر این، استناد به اصل برائت برای اثبات این دیدگاه نیز استوار نخواهد بود، زیرا بهره‌گیری از اصل عملی، زمانی مجاز خواهد بود که ادله نقلی وجود نداشته باشد، در حالی که در مسئله مورد بحث، روایات فراوانی وجود دارد. بر فرض اسقاط حجیت همه روایات، در صورت نیافتن مرجحی برای هیچ‌یک، نوبت به رجوع به عام فوقانی یعنی آیه ۱۸۷ سوره بقره خواهد رسید، نه اصل عملی. بر همین اساس، ارائه‌کننده این بحث، در هنگام ارزیابی نهایی میان روایات، به احتیاط متمایل شده است (ر.ک: مقدس اردبیلی، ۱۴۴۱، ج ۵، ص ۴۵).

۲-۲. حمل احادیث جواز بر تقیه

در دیدگاهی دیگر، برای جمع میان روایات، روایات دال بر جواز، بر حالت تقیه حمل شده‌اند (بحرانی، ۱۴۳۰، ج ۱۳، ص ۱۱۹؛ طباطبایی حکیم، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۷۵). به این بیان که فعل «کان» بر استمرار عمل دلالت دارد، حال آنکه به واسطه استقرار وجوب نماز شب بر رسول خدا ﷺ^۱ نمی‌توان پذیرفت که ایشان از ابتدای شب تا طلوع فجر در حالت جنابت باقی بوده‌اند (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۲۳۸؛ حکیم، ۱۴۲۵، ص ۷۶-۷۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۶، ص ۷۴؛ سبحانی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۸۳). از این رو، باید این روایت را بر تقیه حمل نمود (بحرانی، ۱۴۳۰، ج ۱۳، ص ۱۲۰؛ خویی، ۱۴۳۰، ج ۲۱، ص ۱۸۷؛ آل شبیر خاقانی، ۱۴۴۳، ج ۲۷، ص ۲۱۲). برخی نیز این حدیث را بر استهزاء حمل کرده‌اند (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۲۳۸).

همچنین، امام رضا علیه السلام در حدیث «رسول خدا ﷺ در حال جنابت از جماع، نه احتلام، شب را به صبح آورد» به سخنی از عایشه استناد نموده است، در حالی که معصومان علیه السلام نیازی به استشهد به سخن غیر معصومان ندارند (آل شبیر خاقانی،

۱. بر اساس آیه «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسُجِّدَ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّخْمُودًا» (اسراء: ۷۹)، نافله شب بر رسول خدا ﷺ واجب شده است (قطب راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۳۰؛ طوسی، بی‌تا، ج ۶، ص ۵۱۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۳۰۸؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۱۴، ص ۱۴۶).

۱۴۴۳، ج ۲۷، ص ۲۱۳) و خبر منقول از عایشه از مفتریات بر رسول خدا ﷺ است (عراقی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۵۰). استناد امام رضا علیه السلام به سخن عایشه در روایت اسماعیل بن عیسی، احتمال صدور روایت بر حسب تقیه را افزایش می‌دهد (موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۵۵؛ حکیم، ۱۴۲۵، ص ۷۷؛ سیفی، ۱۳۹۰، ص ۹۸).

برخی نیز بر این باورند که محتمل است صحیحۀ حماد تنها بیانگر حالات مخصوص به رسول خدا ﷺ باشد (نمازی، ۱۳۸۲، ص ۷۴). برخی دیگر نیز آن را بر تقیه مؤکد حمل کرده‌اند (نجفی، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۲۳۸)، به این بیان که روایت در مقام بیان قضیه خارجی و احکام اختصاصی رسول خدا ﷺ بوده که شخص دیگری در این حکم با ایشان مشترک نیست.

بررسی و نقد

با وجود روایات فراوان دال بر صحت روزه، حمل نمودن شمار زیادی از این روایات بر تقیه، بعید به نظر می‌رسد. صحیحۀ حبیب خثعمی^۱ را نیز نمی‌توان به سادگی بر تقیه حمل نمود، چراکه در این مورد، پرسشی از راوی وجود ندارد و در چنین مواردی، انگیزه‌ای برای تقیه قابل تصور نیست.

همچنین، بر اساس این روایت، حضرت رسول خدا ﷺ پس از ادای نماز شب مباشرت نمودند؛ از این رو، نمی‌توان آن را با مانع شدن از ادای امر واجبی بر رسول خدا ﷺ ناسازگار دانست. حتی با فرض پذیرش صدور روایت اسماعیل بن عیسی بر اساس تقیه، در دیگر روایات دال بر عدم نیاز به قضا و کفاره، نمی‌توان شاهدی بر تقیه یافت.

این اشکال به برداشت استمرار از فعل «کان» نیز وارد است، زیرا برای صدور حکمی از باب تقیه، نیازی نبود که با فعل مستمر «کان» حکم تقیه‌ای مسئله بیان شود. چراکه اساساً، بیان دال بر تقیه با بیان دال بر استمرار عمل ناسازگار است. همچنین، محتمل است که سخن امام علیه السلام درباره سیره نبوی، تنها بیانگر اصل جواز باشد، نه استمرار سیره رسول خدا ﷺ بر بقا بر جنابت. به این بیان که امام علیه السلام برای

۱. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ يُجْنِبُ ثُمَّ يُؤَخِّرُ الْغُسْلَ مُتَعَمِّدًا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ».

بازپژوهی ادله حکم بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح در... / البرز محقق گرمی و..... ۱۲۵

دفع گمانه زنی درباره وقوع نادرین قضیه و حمل آن بر واقعه ای مشخص، از فعل «کان» بهره برده اند تا تکرار این حادثه را اثبات کرده و از این طریق، به توهم احتمالی پیش گفته پاسخ دهند.

درباره حمل صحیحۀ حماد برویژگی های اختصاصی رسول خدا ﷺ نیز پاسخ آن است که اصل اولیه آن است که گفتار و رفتار رسول خدا ﷺ در قامت الگویی برای سایر مسلمانان، حجیت داشته و قابل عمل است، مگر در مواردی که با بهره از دلایل معتبری، انحصار احکام به ایشان دانسته شود. در موضوع مورد نظر نیز نمی توان دلیلی بر این انحصار یافت. به عبارت دیگر، قاعده فراگیر در مواجهه با گزاره های منقول از سنت معصومان (علیهم السلام) آن است که این گزاره ها بیانگر قضیه حقیقه هستند، مگر در مواردی که با ادله اطمینان بخش، ثابت شود که فعل یا قول معصوم (علیه السلام) ناظر به قضیه ای خارجی بوده و نمی توان مناطی از آن برای قضایای مشابه یافت.

حمل روایت سلیمان بن اذینه بر تقیه نیز ناپایدار است، چرا که وی در شمار اصحاب امام کاظم (علیه السلام) قرار داشته (تقی الدین حلی، ۱۳۴۲، ص ۴۹) و متن روایت از طریق نامۀ حضرت به دست رسیده است. از این رو، انگیزه رخ دادن تقیه در نامه ای خصوصی و پنهانی، بسیار نامحتمل خواهد بود. توضیحات بیشتر درباره برداشتی استوار از روایات مربوط به فعل رسول خدا ﷺ و سایر روایات دسته نخست، در بخش دیدگاه برگزیده خواهد آمد.

۲-۳. مرجوحیت روایات جواز به واسطه ضعف سندی

برخی به صراحت بر این عقیده اند که تنها روایت عیص بن قاسم صحیح بوده و روایت حماد بن عثمان به واسطه مرسل بودن، روایت اسماعیل بن عیسی به سبب عدم وثاقت وی، روایت سلیمان بن ابی زینبه به سبب ضعف نوفلی و برخی راویان دیگر، و روایت محمد بن عیسی عبیدی به سبب ضعف او، ضعیف خواهند بود (طباطبایی قمی، ۱۴۱۷، ص ۱۲۳-۱۲۵). این دیدگاه وجود دارد که در میان روایات دسته نخست، تنها روایت عیص بن قاسم صحیح بوده و دلالت این روایت نیز، که در شمار اخبار آحاد قرار می گیرد، یارای مقابله با اخبار صحیحۀ مخالف را ندارد. پس بایسته است که آن را کنار گذاشت (ر.ک: سیفی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰).

بررسی و نقد

به نظر می‌رسد این دیدگاه با پیش‌فرض گرفتن انحصار روایات صحیحۀ دسته اول به حالت غیر عمدی، تنها دوروایت عیص بن قاسم و ابی زینبه را از نظر دلالتی شایسته اعتنا می‌داند. در مرحله بعد، به سبب ضعف سندی روایت ابی زینبه^۱ این نتیجه گرفته شده که روایت صحیحۀ عیص بن قاسم، خبر واحد تلقی می‌گردد. اما این دیدگاه استوار به نظر نمی‌رسد، چراکه افزون بر وجود روایات صحیحۀ دیگری در باب، مانند صحیحۀ حماد و خثعمی، نمی‌توان دلالت روایات دسته اول را منحصر به حالت غیر عامدانه دانست. حداقل این است که برخی روایات دسته اول، قابلیت استدلال برای بقا بر جنابت در هر دو حالت عامدانه و غیر عامدانه را داشته و از این نظر، مطلق خواهند بود.

۲-۴. اعراض از روایات جواز

بسیاری از متأخران بر این باورند که توافق نظر اصحاب امامیه در مخالفت با روایات دسته اول، سبب نپذیرفتن مدلول این روایات (آملی، ۱۳۸۴، ج ۸، ص ۵۸) و وانهادن علم آن‌ها به اهلش می‌شود (نمازی، ۱۳۸۲، ص ۷۵). به عبارت دیگر، مخالفت مشهور با روایات دال بر صحت (انصاری، ۱۴۱۳، ص ۳۰) و اعراض از آن‌ها (سیفی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰) در مقابل موافقت مشهور با روایات دال بر مفطرت و عمل بر اساس آنها، سبب وانهادن روایات جواز خواهد شد (فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۳۶۳؛ روحانی، ۱۴۲۹، ج ۱۲، ص ۱۰۶؛ سبحانی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۸۲؛ حکیم، ۱۴۲۵، ص ۷۷). برخی بر این باورند که روایات دسته نخست، به سبب موافقت محتوای آن‌ها با نظریۀ عامه و عدم تناسب با شأن رسول خدا ﷺ باید کنار گذاشته شوند (بنی فضل، ۱۳۸۰، ص ۷۶).

بررسی و نقد

با وجود روایات صحیحۀ فراوان در مسئله، جایی برای تمسک به شهرت عملی در قامت عاملی برای جبران ضعف سند نخواهد بود. نهایت اینکه، وجود شهرت

۱. ر.ک: سیفی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰.

بازپژوهی ادله حکم بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح در... / البرز محقق گرفمی و..... ۱۲۷

فتوایی در مسئله، اماره‌ای برای تمایل به قول مشهور خواهد بود که در روند استنباط فقهی، در قامت دلیلی برای مجتهد، کارساز نخواهد بود. به عبارت دیگر، شهرت فتوایی برخاسته از اجتهاد پیشینیان و حمل روایات مخالف بر تقیه یا حالات دیگر است و در صورت یافتن وجه جمعی دیگر، نمی‌توان شهرت فتوایی را مستند دست یافتن به حکم قرار داد.

همچنین، طرح روایات زمانی جایز خواهد بود که نتوان شرح مناسبی برای آن‌ها یا وجه جمع مناسبی برای روایات متعارض با آن‌ها یافت. در صورتی که می‌توان روایات هر سه دسته را با بهره‌گیری از نکته محوری این روایات، یعنی تعمد بقا بر جنابت، جمع نمود. در این باره در بخش ۵-۱ توضیحاتی خواهد آمد.

۲-۵. اطلاق روایات جواز بر انواع روزه‌ها

این دیدگاه نیز محتمل است که روایات بیانگر عدم مفطرت، حکمی عمومی در مورد انواع روزه‌ها، اعم از ادا، قضا، واجب، مندوب و...، باشند و این حکم عمومی با ادله دال بر مفطر بودن بقا بر جنابت در ماه مبارک رمضان تخصیص خورده باشد. این رویکرد، به عبارت روایی «فَلْيَأْكُلْ يَوْمَهُ ذَلِكَ وَلْيَقْضِ فَإِنَّهُ لَا يُشْبِهُ رَمَضَانَ شَيْءٌ مِنَ الشُّهُورِ» استناد شده که در ظاهر، بیانگر ویژه بودن این حکم به ماه مبارک رمضان است (خوانساری، بی‌تا، ص ۳۸۶؛ آملی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۱۳۳).

بررسی و نقد

این دیدگاه، به سبب وجود عباراتی صریح مانند «عَنْ رَجُلٍ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَنَامَ عَمْدًا» و «أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ أَجَنَبَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ» در روایات، استوار به نظر نمی‌رسد. از این رو، نمی‌توان پذیرفت که حکم مفطر بودن تعمد بقا بر جنابت، مخصوص روزه ماه مبارک رمضان باشد. از سوی دیگر، درباره عدم مفطرت این حالت در روزه‌های قضا نیز میان فقیهان اختلاف نظر وجود دارد. به نظر عده‌ای، روزه‌های قضای ماه مبارک نیز ملحق به همین حکم هستند (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۱، ص ۲۴۶؛ حکیم، ۱۴۳۳، ج ۱، ص ۳۴۷؛ صانعی، ۱۳۸۸، ص ۲۶۴؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰).

۳. دیدگاه برگزیده در مواجهه با روایات

براساس آنچه گفته شد، هریک از راهکارهای جمع میان سه دسته از روایات، با کاستی‌هایی روبه‌رو بوده‌اند. این راهکارها بر مرجحات باب تعارض در حوزه سند، جهت صدور یا متن استوار بودند. با این حال، در جستار حاضر، این باور وجود دارد که می‌توان با بهره‌گیری از روشی، بدون تمسک به مرجحات، وجه جمع مقبولی ارائه داد. یکی از راهکارهای مواجهه با بیش از دو گروه از روایات، استفاده از روشی است که با عنوان «شاهد جمع» شناخته می‌شود. در این روش، دلیلی لفظی یا عقلی در قیامت مفسر روایات به ظاهر متعارض قرار گرفته و به گونه‌ای عمل می‌کند که بتوان جمع مقبول میان روایات ارائه داد. در موضوع پژوهش حاضر، برای دستیابی به این روش، بایسته است مفهوم محوری مسئله و روایات، ارزیابی گردد. از این رو، مفهوم «تعمد» که هم در شماری از روایات به کار رفته و هم محور اساسی مسئله شرعی بقا بر جنابت است، مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در ادامه، با بهره‌گیری از شاهد جمع، سایر روایات نیز تشریح خواهند شد.

۳-۱. واکاوی مفهوم «تعمد» در روایات

در شماری از روایات هر سه دسته، به طور مستقیم به مفهوم تعمد پرداخته شده است و از سیاق برخی دیگر نیز می‌توان دلالتی ظاهری برای این مفهوم یافت. به نظر می‌رسد توجه به این مفهوم، راهکاری برای رفع تعارض اخبار باشد. بنگرید:

- صحیح خثعمی: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ يُجْنِبُ ثُمَّ يُؤَخِّرُ الْغُسْلَ مُتَعَمِّدًا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۳).

- صحیح بن‌نظی: «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَصَابَ مِنْ أَهْلِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَوْ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ ثُمَّ يَنَامُ حَتَّى يُصْبِحَ مُتَعَمِّدًا، قَالَ يُتِمُّ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَعَلَيْهِ قَضَاؤُهُ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۱۲).

- صحیح حلبی: «فِي رَجُلٍ اخْتَلَمَ أَوَّلَ اللَّيْلِ أَوْ أَصَابَ مِنْ أَهْلِهِ ثُمَّ نَامَ مُتَعَمِّدًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ حَتَّى أَصْبَحَ، قَالَ يُتِمُّ صَوْمَهُ ذَلِكَ ثُمَّ يَقْضِيهِ إِذَا أَفْطَرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَيَسْتَغْفِرُ رَبَّهُ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۴۸۵).

بازپژوهی ادله حکم بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح در... / البرز محقق گرمفی و..... ۱۲۹

- موثقه ابوبصیر: «فِي رَجُلٍ أَجَنَّبَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِاللَّيْلِ ثُمَّ تَرَكَ الْغُسْلَ مُتَعَمِّدًا حَتَّى أَصْبَحَ، قَالَ يُعْتَقُ رَقَبَةً أَوْ يَصُومُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ أَوْ يُطْعِمُ سِتِّينَ مِسْكِينًا، قَالَ وَقَالَ إِنَّهُ خَلِيقٌ أَنْ لَا أَرَاهُ يُدْرِكُهُ أَبَدًا» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۲).

- صحیحہ معاویه بن عمار: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الرَّجُلُ يُجَنِّبُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ ثُمَّ يَنَامُ حَتَّى يُصْبِحَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ؛ قُلْتُ فَإِنَّهُ اسْتَيْقَظَ ثُمَّ نَامَ حَتَّى أَصْبَحَ، قَالَ عليه السلام فَلْيَقْضِ ذَلِكَ الْيَوْمَ عُقُوبَةً» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۲).

بر اساس ظاهر صحیحہ خثعمی، تعدد در تأخیر غسل، مانعی برای صحت روزه نخواهد بود. ظاهر دو صحیحہ بزنطی و حلبی نیز دلالت بر کفایت قضا در صورت تعدد دارد، در حالی که در موثقہ ابوبصیر، وجوب کفاره نیز بر آن افزوده شده است. ظاهراین سه حکم ناسازگار به نظر می‌رسد، اما با بهره‌گیری از روایت معاویه بن عمار، می‌توان وجه جمع مقبولی میان سه دسته پیش گفته یافت. در صحیحہ معاویه بن عمار به دو حکم اشاره شده است:

۱. صحت روزه در صورتی که شخص پس از جنابت، برای نخستین بار به خواب برود؛
۲. وجوب قضای روزه در حالتی که شخص پس از بیدار شدن از خواب اول، دوباره به خواب برود.

با بهره از این روایت می‌توان دریافت که یکی از حالات بطلان روزه، تعدد در باقی ماندن بر جنابت پس از هشیاری از خواب نخست است. توضیح اینکه، بر اساس موثقہ پیش گفته از ابوبصیر و نیز صحیحہ سلیمان بن حفص مروزی^۱، باقی ماندن عاقدانه بر جنابت تا اذان صبح در ماه مبارک رمضان سبب استقرار قضاء و کفاره خواهد شد. ترک عاقدانه غسل نیز به دو صورت متصور است:

۱. بیدار ماندن و امتناع از اغتسال تا اذان صبح؛
 ۲. خوابیدن در لحظه اذان صبح با نیت ترک اغتسال.
- روایت معاویه بن عمار تفصیلی میان دو حالت از خوابیدن را بیان کرده است. به این معنا که گاهی شخص جنب با نیت اغتسال به خواب می‌رود و موفق به بیدار

۱. «إِذَا أَجَنَّبَ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلًا وَلَا يُغْتَسِلُ حَتَّى يُصْبِحَ فَقَلْبُهُ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مَعَ صَوْمِ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَا يُدْرِكُ فَضْلَ يَوْمِهِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۲).

شدن در لحظه اذان نمی‌شود؛ چنین شخصی روزه‌اش صحیح خواهد بود. بر همین اساس، شیخ طوسی در مقام جمع میان روایات بر این باور است که عبارت «فَنَامَ عَمْدًا حَتَّى أَصْبَحَ» تنها بر خواب عمدی دلالت دارد، نه تعمد بر باقی ماندن بر جنابت. از این رو، این خبر را باید به حالتی حمل کرد که شخص عمدی بر عدم اغتسال نداشته است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۳). اما کسی که در میان خواب هشیار شده و باز هم عامدانه، بدون نیت اغتسال، به خواب رفته، قضاء و کفاره بر او مستقر خواهد شد.

این باور وجود دارد که قرینه‌ای برای این حمل وجود ندارد (سبیتی، ۱۴۳۶، ص ۳۸۵). اما تفصیل پیش گفته را می‌توان با بهره‌گیری از قرآنی در روایات زیر دریافت:

- صحیح ابن ابی یعفور: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ لَهُ الرَّجُلُ يُجْنِبُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ يَسْتَيْقِظُ ثُمَّ يَنَامُ ثُمَّ يَسْتَيْقِظُ ثُمَّ يَنَامُ حَتَّى يُصْبِحَ، قَالَ يُتِمُّ صَوْمَهُ وَيَقْضِي يَوْمًا آخَرَ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَيْقِظْ حَتَّى يُصْبِحَ أَتَمَّ صَوْمَهُ وَجَارَ لَهُ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۲۰).

- موثق سماعه: «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَصَابَتْهُ جَنَابَةٌ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ فِي رَمَضَانَ فَنَامَ وَقَدْ عَلِمَ بِهَا وَلَمْ يَسْتَيْقِظْ حَتَّى يُدْرِكَهُ الْفَجْرُ، فَقَالَ: عَلَيْهِ أَنْ يُتِمَّ صَوْمَهُ وَيَقْضِي يَوْمًا آخَرَ. فَقُلْتُ: إِذَا كَانَ ذَلِكَ مِنَ الرَّجُلِ وَهُوَ يَقْضِي رَمَضَانَ، قَالَ: فَلْيَأْكُلْ يَوْمَهُ ذَلِكَ وَلْيَقْضِ، فَإِنَّهُ لَا يُشْبَهُ رَمَضَانَ شَيْءٌ مِنَ الشُّهُورِ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۱).

- روایت منقول از فقه رضوی: «إِنْ أَصَابَتْكَ جَنَابَةٌ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَلَا بَأْسَ أَنْ تَنَامَ مُتَعَمِّدًا وَفِي نَيْتِكَ أَنْ تَقُومَ وَتَغْتَسِلَ قَبْلَ الْفَجْرِ، فَإِنْ غَلَبَ النَّوْمُ حَتَّى تُصْبِحَ فَلَيْسَ عَلَيْكَ شَيْءٌ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۷، ص ۳۳۰).

بر اساس روایت نخست، خوابیدن مجدد سبب استقرار قضاء خواهد بود و بر اساس روایت دوم نیز علم به بیدار نشدن تا اذان صبح حالتی است که سبب صدور حکم شده است. نکته مشترک هر دو روایت، تعمد بر باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح است. بنا بر روایت سوم نیز خوابیدن با نیت اغتسال مانعی برای صحت روزه نخواهد بود.

شاید به نظر برسد که در صحیح حلبی، خوابیدن عامدانه به هر نحوی سبب

بازپژوهی ادله حکم بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح در... / البرز محقق گرفمی و..... ۱۳۱

صدور حکم قضاء روزه شده و از این لحاظ فرقی میان حکم خواب اول و دوم نخواهد بود. اما با دقت بیشتر می‌توان دریافت که تعمدی بودن، قیدی برای بقاء بر جنابت است، نه قید ذاتی برای خوابیدن. به دیگر سخن، متعلق مفهوم تعمد در این روایت متفاوت است.

به این بیان که در روایات دیگر، تنها حالت‌هایی از خوابیدن سبب استقرار وجوب قضاء خواهند شد که یا اطمینان به بیدار نشدن در لحظه اذان وجود داشته باشد، یا خوابیدن عامدانه به قصد عدم اغتسال تا اذان باشد. شاهی برای این مدعا عباراتی چون «حتی یصبح متعمداً»، «تَرَكَ الْغُسْلَ متعمداً» و «ثم يؤخر الغسل متعمداً» در روایات پیش گفته است که دلالت بر مفهوم «تعمد بقاء بر جنابت» دارند، نه تعمد بر خواب.

همچنین، بنا بر عبارت «فَلَا بَأْسَ أَنْ تَنَامَ مُتَعَمِّداً وَفِي نَيْتِكَ أَنْ تَقُومَ وَتَغْتَسِلَ قَبْلَ الْفَجْرِ» در خبر پیش گفته منقول از فقه الرضوی، خواب عامدانه با نیت اغتسال، مانعی برای صحت روزه نخواهد بود. چرا که خوابیدن ملازمه تام با ترک عمدی غسل ندارد و ممکن است فرد با نیت اغتسال به خواب رفته باشد (علامه حلی، ۱۴۲۹، ج ۹، ص ۱۲۷). بنابراین، می‌توان دریافت که بقاء عامدانه بر جنابت، تنها عامل حکم به عدم صحت روزه شمرده می‌شود.

۳-۲. تشریح سایر احادیث بر اساس روش جمع پیش گفته

بر اساس آنچه در بخش پیشین درباره شاهد جمع میان روایات گذشت، سایر روایات نیز رهنمون بر احکامی مطابق با گستره موضوعی خود بوده و نیازی به طرح شماری از آن‌ها یا حمل آن‌ها به جهات صدور خاصی چون تقیّه نخواهد بود.

۳-۲-۱. احادیث رهنمون بر انتساب بقاء بر جنابت به رسول خدا ﷺ

در میان احادیث رهنمون بر جواز بقاء بر جنابت، سه حدیث وجود دارد که در ظاهر، بیانگر بقاء رسول خدا ﷺ بر جنابت تا پس از اذان در ماه مبارک رمضان هستند. این سه روایت به وسیله حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام، اسماعیل بن عیسی از امام رضا علیه السلام و حبیب خثعمی از امام صادق علیه السلام نقل شده‌اند که در ادامه بررسی خواهند شد.

در فراز پایانی حدیث حماد بن عثمان چنین آمده است: «... وَلَا أَقُولُ كَمَا تَقُولُ هَؤُلَاءِ الْأَفْسَابُ يَقْضِي يَوْمًا مَكَانَهُ». باورمندان به صحت روزه، عبارت «يَقْضِي يَوْمًا مَكَانَهُ» را نظر افراد فرومایه درباره این حکم دانسته و سخن امام صادق (ع) را نافی این باور می‌دانند. در حالی که به نظر می‌رسد این عبارت، قول امام (ع) است. چرا که با توجه به عبارت پیشینی «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُجَامِعُ نِسَاءَهُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ ثُمَّ يُؤَخِّرُ الْغُسْلَ حَتَّى يَظْلُعَ الْفَجْرُ وَلَا أَقُولُ...» می‌توان دریافت که امام (ع)، باور به تأخیر غسل توسط رسول خدا (ص) را به افراد فرومایه نسبت داده و با فرمودن جمله «لَا أَقُولُ...» دیدگاه خویش را مخالف آن معرفی می‌کند. جمله پایانی «يَقْضِي يَوْمًا مَكَانَهُ» جمله‌ای خبری در مقام انشاء حکم است که بیانگر وجوب قضای روزه است. بر این اساس، نمی‌توان پذیرفت که امام (ع) این عمل را به رسول خدا (ص) نسبت داده باشد. در واقع، از این روش برای رفع درگیری باورمندان به دیدگاه عامه با شیعیان بهره‌برداری می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۸۵). از دیگر سو، با بیانی که گذشت، حمل روایات بر تقیه نیز محتمل نخواهد داشت.

با این بیان، روشن می‌شود که در عصر امام صادق (ع)، در میان مخالفان مکتب اهل بیت (ع)، باور به عدم مفطریت، فراگیر بوده است. از این رو، در صحیح‌ه اسماعیل بن عیسی، امام رضا (ع) برای بیان حکم، به سخن عایشه استناد نموده است تا به آگاهان به زبان امامان بفهماند که این باور، دیدگاه اهل بیت (ع) نیست. برخی بر این باورند که این روایات به نحو استفهام انکاری از امامان صادر شده و باید در ابتدای آن‌ها همزه استفهام افزود (صالحی مازندرانی، ۱۳۷۶، ج ۶، ص ۱۶۶). اما دلیلی بر این گونه استظهار وجود ندارد، چرا که افزون بردر غلطیدن به خلاف ظاهر روایت، هیچ قرینه‌ای بر تصحیف این روایات در تراث حدیثی و دیدگاه فقیهان یافت نمی‌شود.

راوی حدیث دیگری در این باب^۱ فردی با نام حبیب خثعمی است که در نگاشته‌های رجال با عنوان حبیب بن المعلل خثعمی نام بردار است. وی دارای

۱. «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ يُجِبُّ ثُمَّ يُؤَخِّرُ الْغُسْلَ مُتَعَدِّدًا حَتَّى يَظْلُعَ الْفَجْرُ» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۳).

بازپژوهی ادله حکم بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح در... / البرز محقق گرفمی و..... ۱۳۳

کتابی است که محمد بن ابی عمیر آن را روایت نموده است (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۱۶۴). از او با عبارت «إِنَّهُ ثِقَّةٌ ثِقَّةٌ صَحِيحٌ» یاد شده است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۴۱). با این توضیحات، نمی توان وی را از راویانی برشمرد که امام علیه السلام بر اساس ویژگی هایی در او - مانند تمایل به عامه - حکمی را به جهت تقیه بدو فرموده باشد. از عبارت «يُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ يُجْنِبُ» نیز در این روایت به آشکاری می توان فهمید که جنابت رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از ادای نافله شب بوده است، از این رو تأخیر غسل، منافاتی با وجوب نافله شب بر ایشان نخواهد داشت. از لسان روایت می توان دریافت که تعمد رسول خدا صلی الله علیه و آله برای تأخیر غسل، به سبب وجود عواملی غیر اختیاری مانند انتظار برای یافتن آب یا گرم نمودن آن بوده است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۳)، نه اینکه ایشان به سبب بی توجهی به امر اغتسال، آن را به تأخیر انداخته باشد. از این رو، نمی توان روایت را بر وجود تعمد در بقاء بر جنابت حمل نمود.

۳-۲-۲. توضیحی درباره صحیحہ عیص بن قاسم

در این روایت چنین آمده است: «عَنِ الرَّجُلِ يَنَامُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَحْتَلِمُ ثُمَّ يَسْتَيْقِظُ ثُمَّ يَنَامُ قَبْلَ أَنْ يَغْتَسِلَ قَالَ لَا بَأْسَ». ظاهراً این روایت بیانگر وقوع احتلام در شب یا روز ماه مبارک رمضان است که به روزه صدمه ای نمی زند (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص ۲۷۱). اما برای موضوع بقا بر جنابت تا اذان صبح نمی توان بر آن استدلال نمود، چرا که این روایت اشعاری بر باقی ماندن عمدی بر جنابت تا اذان صبح ندارد. بر فرض عدم پذیرش این استظهار، با توضیحاتی که درباره مفهوم تعمد گذشت، می توان دریافت که حکم مربوط به مواردی است که خوابیدن شخص به نیت اغتسال باشد. بر همین اساس، فقیهان بسیاری این روایت را بر حالت غیر عمدی حمل نموده اند (ر.ک: موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ج ۶، ص ۵۵؛ آملی، ۱۳۸۴، ج ۸، ص ۵۸؛ حکیم، ۱۴۲۵، ص ۷۷؛ آل شبیر خاقانی، ۱۴۴۳، ج ۲۷، ص ۲۱۴)، یعنی حالتی که شخص با نیت اغتسال به خواب رفته باشد (سبحانی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۱۸۵). شاهد این حمل هم قرائنی است که در سایر روایات وجود دارد (ر.ک: سیفی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰).

۳-۲-۳. توضیحی درباره نامه امام کاظم علیه السلام

این روایت در کتاب قرب الاسناد از سلیمان بن اذینه نقل شده است، اما در کتاب تهذیب از شخصی با نام سلیمان ابن ابی زینبه (ر.ک: طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۱۰) و در کتاب الوافی از سلیمان بن ابی ربیع نقل شده است (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص ۲۶۶). از آنجا که در کتب رجال و تراجم از روایانی با نام‌های اول و سوم سخنی به میان نیامده، به نظر می‌رسد نام صحیح راوی سلیمان ابن ابی زینبه باشد. از وی هیچ تضعیف، توثیق یا شرح حالی در کتب رجالی یافت نمی‌شود و تنها از او به عنوان یکی از اصحاب امام کاظم علیه السلام یاد شده است (تقی‌الدین حلی، ۱۳۴۲، ص ۴۹). به نظر می‌رسد مستند این دیدگاه، همان روایت پیش گفته باشد که در آن، سلیمان خود را آشنا به دست خط امام کاظم علیه السلام معرفی کرده است.

از وی تنها سه روایت در مجموعه احادیث شیعی یافت می‌شود. تنها موردی که می‌توان احتمالی برای توثیق عمومی او ارزیابی نمود، نقل حدیث توسط دو تن از بزرگان، یعنی صفوان بن یحیی و علی بن اسباط از وی است. با این حال، نمی‌توان با اطمینان از توثیق او سخن گفت و قرار دادن او در شمار افراد مجهول الحال شایسته‌تر خواهد بود.

با توضیحی که درباره مفهوم تعمد گذشت، می‌توان دریافت که تأخیر غسل در این روایت، بر حالت غیر عمدی قابل توجیه است. همچنین، بهره‌گیری از صیغه ماضی در عبارت "طَلَعَ الْفَجْرُ" در این روایت، قرینه‌ای بر اثبات غیر عمدی بودن بقا بر جنابت است؛ چرا که این عبارت، بیانگر وقوع رخدادی است که مکلف انتظار نداشت تا پیش از غسل اورخ دهد. در مقابل، اگر عبارت "حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ" در این روایت ذکر می‌شد، مشعر به حالت عمدی می‌بود.

در صورت عدم پذیرش انصراف روایات به حالت غیر عمدی، می‌توان گفت که این روایت، بیانگر حکمی مطلق است که توسط روایات دیگر، دال بر مفطرت به

۱. «أَيُّوبُ بْنُ نُوحٍ، عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ أَذِينَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى علیه السلام أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ أَجَنَّبَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ، فَأَخَّرَ الْغُسْلَ حَتَّى طَلَعَ الْفَجْرُ، فَكَتَبَ إِلَيَّ بِحُظْمَةٍ - أَعْرِفُهُ - مَعَ مُضَادِّ: يُغْتَسَلُ مِنْ جَنَابَتِهِ، وَيُتِمُّ صَوْمَهُ، وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۳۴۰).

بازپژوهی ادله حکم بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح در... / البرز محقق گُرمی و..... ۱۳۵

سبب تعمد، مقید خواهد شد. روایت حمیری از عبدالله بن بکیر نیز به همین روش قابل تبیین است.

۳-۲-۴. توضیحی درباره روایت ابوسعید قنطاط

عبارت تعلیلی «لَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَذَلِكَ أَنَّ جَنَابَتَهُ كَانَتْ فِي وَقْتِ حَلَالٍ» در این حدیث، به شکل نکره در سیاق نفی آمده و برخی بر این باورند که این نوع سیاق، عمومیت حکم را می‌رساند (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۱۸۱). اما در خور توجه است که امام علیه السلام در این بخش از حدیث، در مقام بیان جواز مباشرت در زمان حلال هستند و سخنی از جواز بقاء بر جنابت به میان نیاورده‌اند. به بیان دیگر، راوی گمان کرده است که هر نوع جنابت، حتی در شب، مانع صحت روزه می‌شود. امام علیه السلام برای رفع این تصور نادرست، اصل حلیت مباشرت را بیان کرده‌اند، نه اینکه حکم به جواز بقاء بر جنابت داده باشند. پس شایسته است که حکم این روایت را مربوط به بقاء غیر عمدی بر جنابت دانست (ن.ک: فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۱، ص ۲۶۵؛ نجفی، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۲۳۹).

۳-۲-۵. تشریح احادیث رهنمون بر مفطرت

با توضیحی که درباره مفهوم تعمد گذشت، اخبار دال بر مفطرت، بر حالت تعمد بقاء بر جنابت حمل می‌شوند. در این میان، این دیدگاه مطرح شده است که برخی از این روایات، عباراتی دارند که نمی‌توان از آن‌ها برای اثبات مفطرت ترک عامدانه غسل استفاده کرد. به عنوان نمونه: عبارت «فَنَسِيَ أَنْ يَغْتَسِلَ» در صحیح حلبی و عبارت «ثُمَّ يَنْسَى أَنْ يَغْتَسِلَ حَتَّى يَمْضِيَ ذَلِكَ جُمُعَةً» در روایت ابراهیم بن میمون، که این عبارات به حالت نسیان اشاره دارند (سیفی، ۱۳۹۰، ص ۹۷). اما این استدلال استوار به نظر نمی‌رسد، زیرا اگر این روایات بر وجوب کفاره و قضا در حالت نسیان دلالت کنند، به قیاس اولویت می‌توان نتیجه گرفت که در مورد کسی که عمدتاً غسل را ترک کرده است، حکم قضا و کفاره به طریق اولی ثابت خواهد بود. از برخی عبارات مانند «إِنِّي أَصْبَحْتُ بِالْغُسْلِ وَأَصَابَتْنِي جَنَابَةٌ» این نکته برداشت می‌شود که شخص قصد غسل داشته، اما شرایطی مانع از انجام آن شده است. در جمع بین روایات دال

برکفایت قضا و روایات دالّ بر وجوب كفاره نیز، امر به اتمام صوم در روایات مفطریّت، به منظور تأدیّب فرد عامد خواهد بود، و وجوب قضا، منافاتی با وجوب كفاره ندارد.

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه گذشت، نتایج زیر به عنوان دستاوردهای این جستار قابل ارائه هستند:

۱. فقیهان برای استخراج حکم مسئله بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح در ماه مبارک رمضان، به مدلول آیه ۱۸۷ سوره بقره، مجموعه‌ای از روایات و اجماع استناد کرده‌اند. به نظر می‌رسد با وجود ادله لفظی معتبر، استناد به اجماع به عنوان دلیلی مستقل، جایگاهی نخواهد داشت. از این رو، بررسی مدلول آیه مذکور و روایات مرتبط ضروری است.
۲. برخی از فقیهان بر این باورند که بر اساس اطلاق آیه ۱۸۷ سوره بقره و شماری از روایاتی که مطلق بودن جواز مباشرت را در تمامی ساعات پیش از اذان صبح بیان کرده‌اند، تعمد بقاء بر جنابت از مفطرات محسوب نمی‌شود. در این دیدگاه، سایر روایاتی که حکم متفاوتی را در این زمینه ارائه داده‌اند، به دلیل مخالفت با قرآن کنار گذاشته شده‌اند. اما این نظریه دلیل تصورات باین میان حکم مقید در روایات و حکم مطلق قرآنی، قابل پذیرش نیست؛ زیرا ناهمخوانی ظاهری در قالب تقیید یا تخصیص، مخالفت تبیینی با قرآن محسوب نمی‌شود.
۳. برخی فقیهان معتقدند که روایاتی که دلالت بر جواز دارند، باید بر تقیه حمل شوند. برخی دیگر نیز با وارد کردن اشکالات سندی به برخی از این روایات، آن‌ها را مرجوح دانسته‌اند. این در حالی است که کثرت روایات صحیحه این دسته، احتمال وجود تقیه را کاهش داده و همچنین اشکالات سندی را نیز دفع می‌کند.
۴. کنار نهادن احادیث دسته نخست از روند استنباط حکم شرعی، به دلیل اعراض مشهور یا موافقت آن‌ها با عامه، تنها زمانی سودمند خواهد بود که امکان یافتن وجه جمع مناسبی میان روایات به ظاهر متعارض وجود نداشته باشد. در حالی که می‌توان جمع مقبولی میان این روایات ارائه کرد، به گونه‌ای که بدون کنار گذاشتن برخی از احادیث، استظهاری نوین از هر سه دسته روایات به دست آید.

بازپژوهی ادله حکم بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح در... / البرز محقق گرمفی و..... ۱۳۷

۵. برای جمع میان این سه دسته روایات، حدیث صحیح معاویه بن عمار به عنوان شاهد جمع قرار گرفت. حکم محوری این حدیث، مفطر بودن روزه‌ای است که در آن، باقی ماندن بر جنابت به صورت عامدانه انتخاب شده باشد. این تعمد یا با بیدار ماندن تا اذان صبح بدون قصد اغتسال محقق می‌شود یا با خوابیدن به نیت عدم اغتسال. اما به خواب رفتن پس از جنابت با نیت اغتسال، مفطر روزه محسوب نمی‌شود.

۶. بر اساس وجه جمع مذکور، روایات مربوط به بقاء رسول خدا ﷺ بر جنابت، تنها بیانگر حکم مسئله از منظر مشهور عامه خواهند بود. صحیح‌ه خثعمی نیز بر حالتی حمل خواهد شد که شخص به دلیل عذری مانند نیافتن آب یا انتظار برای گرم شدن آن، غسل را به تأخیر انداخته باشد.

۷. روایت عیص بن قاسم نیز تنها به مواردی مربوط است که شخص در طول روز یا شب دچار احتلام شده و تعمدی در بقاء بر جنابت نداشته باشد. در نامه منقول از ابن ابی عذینه نیز، از عبارت «حتی طلع الفجر» می‌توان دریافت که شخص جنب، تعمدی در این مسئله نداشته است.

۸. تمامی احادیث بیانگر مفطر بودن، مربوط به حالتی هستند که شخص عامدانه یا از روی سهل انگاری، غسل خود را تا اذان صبح به تأخیر بیندازد. در این حالت، روزه او باطل بوده و باید قضای آن را به جا آورد، اما در همان روز، مکلف به امساک خواهد بود.

در نهایت، اگر فردی به دلایلی مانند خستگی یا غفلت، نتواند عمداً طهارت را تحصیل کند و پس از جنابت موفق به غسل نشود، روزه او صحیح خواهد بود. بدیهی است که برای انجام سایر اعمالی که مشروط به طهارت هستند، غسل یا تیمم جنب واجب خواهد بود.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید.
۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم، (۱۳۹۰ش)، فقه فتاوی آخوند خراسانی، قم: بوستان کتاب.
۳. آل شبیر خاقانی، محمد، (۱۴۴۳ق)، شرح العروة الوثقی، قم: چاپ دوم، باقیات.
۴. آلوسی، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۵ق)، روح المعانی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۵. آملی، محمد تقی، (۱۳۸۴ق)، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی، بی‌جا: بی‌نا.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: چاپ دوم، اسلامی.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۴۱۵ق)، المقنع، قم: پیام امام هادی علیه السلام.
۸. ابن براج، عبدالعزیز بن نحیر، (۱۴۰۶ق)، المذهب، قم: اسلامی.
۹. ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد، (۱۴۱۶ق)، مجموعه فتاوی ابن جنید، قم: اسلامی.
۱۰. ابن عاشور، محمد طاهر، (۱۴۲۰ق)، التحریر والتنویر، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
۱۱. ابن عبدالبر، یوسف، (۲۰۰۰م)، استذکار، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۱۲. ابن قدامة، عبدالله بن احمد، (بی‌تا)، المغنی، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۳. ابوصلاح حلبی، تقی‌الدین بن نجم، (بی‌تا)، الکافی فی الفقه، اصفهان: مکتبة الامام امیرالمؤمنین علی علیه السلام العامة.
۱۴. اصفهانی، سید ابوالحسن، (۱۳۹۲ش)، وسیلة النجاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
۱۵. انصاری، مرتضی، (۱۴۱۳ق)، کتاب الصوم، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة ذکری المئوية الثانية لمیلاد الشیخ الاعظم الانصاری.
۱۶. بحرانی، یوسف، (۱۴۳۰ق)، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، قم: چاپ دوم، اسلامی.
۱۷. بنی‌فضل، مرتضی، (۱۳۸۰ش)، مدارک تحریر الوسیله (الصوم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره.
۱۸. تقی‌الدین حلّی، حسن بن علی، (۱۳۴۲ش)، الرجال، تهران: دانشگاه تهران.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۷ق)، کتاب الصوم والاعتکاف، قم: اسراء.
۲۰. جواهری، حسن، (۱۴۳۸ق)، کتاب الصوم، قم: مجمع الذخائر الاسلامیه.
۲۱. حکیم، سید محمد سعید، (۱۴۲۵ق)، مصباح المنهاج (الصوم)، بیروت: دارالهلal.
۲۲. حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ق)، قرب الإسناد، قم: آل البيت علیهم السلام.
۲۳. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، قم: چاپ بیست و هشتم، مهر.
۲۴. خویی، سید ابوالقاسم، (۱۴۳۰ق)، موسوعة الامام الخوئی، قم: چاپ چهارم، مؤسسه الخوئی الاسلامیة.
۲۵. روحانی، سید محمد صادق، (۱۴۲۹ق)، فقه الصادق علیه السلام، قم: منشورات اجتهاد.
۲۶. سبحانی، جعفر، (۱۴۲۰ق)، الصوم فی الشریعة الاسلامیة الغراء، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۲۷. سبیتی، یوسف علی، (۱۴۳۶ق)، «مفطریة تعتمد البقاء علی الجنابة حتی الفجر؛ قراءة النقدیة»، اجتهاد وتجديد، شماره ۳۲ و ۳۳، ص ۳۸۱-۳۹۲، پاییز و زمستان.
۲۸. سرخسی، محمد بن ابی سهل، (۱۴۲۱ق)، الميسوط، بیروت: دارالفکر.
۲۹. سآردیلمی، حمزه بن عبدالعزیز، (۱۴۰۴ق)، المراسم فی الفقه الاسلامی، قم: منشورات الحرمین.
۳۰. سلیمانی بروجردی، میرزا علی، (۱۳۹۳ش)، «حکم باقی ماندن بر جنابت برای روزه‌داران تا اذان صبح اذیدگاه آیه الله العظمی دکتر شیخ محمد صادقی تهرانی»، مجموعه مقالات دومین همایش بیداری قرآنی، تهران: شکرانه، ص ۳۶۵-۳۷۹.

بازپژوهی ادله حکم بقاء عمدی بر جنابت تا اذان صبح در... / البرز محقق گرفمی و..... ۱۳۹

۳۱. سیستانی، سید علی، (۱۴۰۱ش)، توضیح المسائل جامع، مشهد: دفتر مرجع عالی قدر.
۳۲. سیفی، علی اکبر، (۱۳۹۰ش)، دلیل تحریر الوسیله (الصوم)، تهران: مؤسسه امام خمینی علیه السلام.
۳۳. شیرازی، ابراهیم بن علی، (بی تا)، المذهب فی فقه الامام الشافعی، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۳۴. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۷۸ش)، توضیح المسائل نوین، تهران: امید فردا.
۳۵. صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة، قم: چاپ دوم، فرهنگ اسلامی.
۳۶. صدر، سید محمد باقر، (۱۴۱۰ق)، منهاج الصالحین، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۳۷. طباطبایی حکیم، سید محسن، (۱۳۷۴ش)، مستمسک العروة الوثقی، قم: دارالتفسیر.
۳۸. طباطبایی قمی، سید تقی، (۱۴۱۷ق)، الغایة القصوى فی تعلیق علی العروة الوثقی (الصوم)، قم: محلاتی.
۳۹. طباطبایی کربلایی، سید علی، (۱۴۱۸ق)، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تهران: چاپ چهارم.
۴۱. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۰ق)، الفهرست، قم: مکتبه المحقق الطباطبائی.
۴۲. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۲۸ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، قم: چاپ دوم، اسلامی.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۴. عراقی، ضیاء الدین، (۱۴۱۴ق)، شرح تبصرة المتعلمین، قم: اسلامی.
۴۵. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۷۴ش)، مختلف الشیعة فی احکام الشریعه، قم: اسلامی.
۴۶. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۹ق)، منتهی المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی.
۴۷. فاضل لنکرانی، محمد، (۱۳۸۵ش)، رساله توضیح المسائل، قم: چاپ صد و بیست و هشتم، مهر.
۴۸. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، (۱۴۰۴ق)، التنقیح الرائع لمختصر الشرائع، قم: مکتبه آیه الله العظمی مرعشی.
۴۹. فضل الله، سید محمد حسین، (۱۴۲۱ق)، فقه الشریعه، بیروت: چاپ پنجم، دارالملاک.
۵۰. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۳۹۵ش)، مفاتیح الشرائع، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.
۵۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان: مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام العامه.
۵۲. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، الجامع لاحکام القرآن، تهران: ناصر خسرو.
۵۳. قطب راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۴۰۵ق)، فقه القرآن، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۵۴. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۴۰۴ق)، تفسیر قمی، قم: چاپ سوم، دارالکتاب.
۵۵. مازندرانی، محمد هادی بن محمد صالح، (۱۴۲۹ق)، شرح فروع الکافی، قم: دارالحديث.
۵۶. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۳۶۴ش)، المعتبر فی شرح المختصر، قم: مؤسسه سید الشهداء علیه السلام.

۱۴۰ آموزه‌های فقه عبادی، دوره ۴، ش ۶، بهار و تابستان ۱۴۰۲

۵۷. محقق حلی، جعفر بن حسن، (۱۴۰۳ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، بیروت: چاپ دوم، دارالاضواء.

۵۸. محقق سبزواری، محمد باقر، (۱۳۸۸ش)، کفایة الفقه، قم: اسلامی.

۵۹. محقق سبزواری، محمد باقر، (بی تا)، ذخیره المعاد، قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.

۶۰. مغنیه، محمد جواد، (۱۳۷۹ش)، فقه الامام جعفر الصادق علیه السلام، قم: چاپ دوم، انصاریان.

۶۱. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۱ق)، الفقه علی المذاهب الخمسه، بیروت: دارالتیاریت الجدید.

۶۲. مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، قم: دارالکتاب الاسلامی.

۶۳. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۰ق)، المقنعه، قم: اسلامی.

۶۴. مقدس اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۴۴۱ق)، مجمع الفائدة والبرهان، قم: چاپ چهارم، اسلامی.

۶۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷ش)، توضیح المسائل، قم: عالم افروز.

۶۶. موسوی خمینی، سید روح الله، (۱۳۹۲ش)، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۶۷. موسوی عاملی، سید محمد بن علی، (۱۴۱۱ق)، مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام، مشهد: مؤسسة آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.

۶۸. نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵ش)، رجال النجاشی، قم: اسلامی.

۶۹. نجفی، محمد حسن، (۱۳۷۳ش)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

۷۰. نراقی، احمد بن محمد مهدی، (۱۴۲۹ق)، مستند الشیعه، بیروت: مؤسسه آل البيت علیه السلام.

۷۱. نسایی، احمد بن علی، (۱۴۱۱ق)، سنن نسایی، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۷۲. نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.

۷۳. نوری، یحیی بن شرف، (بی تا)، المجموع شرح المذهب، بیروت: دارالفکر.

۷۴. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۱ق)، اسباب النزول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۷۵. همدانی، رضا، (۱۳۷۶ق)، مصباح الفقه، قم: المؤسسة الجعفریه لإحياء التراث.

۷۶. یزدی، سید محمد کاظم، (۱۳۸۸ش)، العروة الوثقی والتعلیقات علیها، قم: مؤسسه السبطین علیه السلام العالمیه.